

تاریخچه عکاسی در ایران

محمود معصومی – مدیر گروه عکاسی موسسه آموزش عالی هنر شیراز

کارشناسی ارشد کارگردانی نمایش ، دانشگاه آزاد شیراز

چکیده

کمتر از سه سال پس از ابداع عکاسی در فرانسه توسط لوئی داگر، این اختراع نو پا وارد ایران شد. نخستین دوربین عکاسی که وارد ایران شد، یک دوربین کالوتیپ بود که توسط ملکه ویکتوریا به محمد شاه قاجار هدیه شد و توسط سفیر ایران به دست وی رسید. همچنین دوماه بعد نیز نیکولای پاولوف، سفیر روسیه یک عدد دوربین داگرئوتیپ را به ناصرالدین میرزا که در آن زمان ولیعهد بود هدیه داد که نخستین عکس نیز به روایتی توسط این دوربین برداشت شده است. پس از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه و به سبب علاقه بیش از حد او به عکاسی، امیرکبیر با آموزش عکاسی در دارالفنون موافقت کرد و همچنین پادشاه، عکاسخانه ای نیز در کاخ گلستان ایجاد کرد که به نام عکسخانه همایونی معروف بود. موضوعات عکاسی دربار بیشتر زنان حرمسرا و پرتره های درباری را در بر می گرفت. عکاسی پس از چندی از دربار ناصری خارج و توسط خارجی هایی که در هیات نظامی یا دیپلماسی به ایران آمده بودند رواج و گسترش یافت. این عکاسان بیشتر عکس های مستند و بومی نگاری و تاریخی را دنبال می کردند. البته به مرور زمان و بر حسب مقتضیات زمانه، به موضوعات و ژانر های عکاسی در ایران اضافه شد. پس از چندی نیز فارغ التحصیلان رشته عکاسی دارالفنون و همچنین از فرنگ برگشتگان رشته عکاسی، جایگاه ویژه ای در میان عکاسان برای خود ایجاد نمودند.

واژگان کلیدی: عکاسی، محمد شاه قاجار، ناصر الدین شاه قاجار، مشروطیت، لوئی داگر

مقدمه

در این مقاله قصد داریم به بررسی و طبقه بندی عکاسان ایرانی و غیر ایرانی که عکاسی را در این کشور و سرزمین رواج داده اند بپردازیم و همچنین عملکرد و رویکرد آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. شایان ذکر است که تاریخچه عکاسی در ایران توسط پنج گروه در این مقاله مورد بررسی و نقد قرار می گیرد .

تاریخچه عکاسی در ایران

همانطور که در چکیده مقاله عنوان شد، اولین عکس ها به شیوه داگرتوتیپ و کالوتیپ به ترتیب در سال 1842 م (1221 هـ) توسط ژول ریشار¹ و همچنین نیکولای پائولوف² روس از ناصرالدین میرزا (ولیعهد) و دخترش (عزت الدوله) که بعد ها همسر امیر کبیر شد در تبریز و محمد شاه در تهران گرفته شده است . قابل ذکر است که نخستین عکاس در ایران، ژول ریشار و نخستین عکاس ایرانی، ناصرالدین خان (ولیعهد قاجاری) می باشد . در این مقاله، پنج گروه را که به توسعه و پیشرفت عکاسی در ایران یاری کرده اند مورد بررسی قرار می دهیم .

گروه اول، خارجیانی بودند که در قالب سیاح، تاجر و یا دیپلمات به ایران آمدند. این گروه در عکس هایی که از شرق با خود به اروپا بردند، شرق را به صورت داستان های هزار و یک شب معرفی نمودند. موضوعات مورد علاقه آنها، درویش، مراسم و آئین های سنتی و مذهبی، خواجه های حرمسرا، قلیان کشی و تریاک بود. البته این عکس ها، بخشی از واقعیت موجود در شرق را نشان می داد و ارزش استنادی خود را دارد. لذا ارزش دیگر آنها این است که مشاهده نماییم دیگران چگونه از ایرانیان عکاسی کرده و ایران را چگونه دیده اند³. بیشتر موضوعات این عکاسان، عکس های بومی نگاری، تاریخی و مستند و یا شاید عکس های جاسوسی بود. قابل ذکر است عکاسانی که از خارج به ایران وارد شدند بیشتر از سه کشور فرانسه، ایتالیا و آلمان بودند.

¹ Jules Richard

² Nikolai Pavlov

³ تاریخ تطبیقی عکاسی ایران و جهان - شهریار خوانساری - صفحه پنجم

گروه فرانسوی^۴

اولین عکاس خارجی که به ایران آمد ژول ریشار فرانسوی بود. وی به روش داگرتوتیپ^۵ عکاسی می کرد. ژول ریشار^۶ ابتدا در تبریز ساکن شد و پس از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه، او نیز به تهران آمد و پس از ساخت دارالفنون در آنجا به تدریس زبان پرداخت. از آن جهت که کسی در ایران نمی توانست عکاسی کند به دربار فراخوانده شد و مدتی در آنجا عکاسی نمود. ضمناً سه گروه فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه به ایران آمدند. ژول ریشار در خدمت دولت ایران در سلطنت محمد شاه و ناصرالدین شاه بود. او بعد ها مسلمان شد و به نام میرزا رضا خان نامیده شد که لقب خانی را از طرف ناصرالدین شاه در اواخر سال 1288 ه.ق، به وی اعطا گردید. او در اوایل افتتاح دارالفنون، از معلمین دارالفنون بود و بعد از کارمندان وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی و مترجم زبان فرانسه و انگلیسی و ... بود. دانا استاین در کتاب سرآغاز عکاسی در ایران، ژول ریشار را نخستین کسی می داند که عکاسی به روش چاپ نقره (نیترات نقره) را در ایران انجام داده است. یحیی ذکاء نیز در یادداشت هایش در ماهنامه عکس، ریشار را نخستین کسی می داند که در ایران به روش داگرتوتیپ عکس می انداخته است. همچنین غیر از ریشار فرانسوی، گروه دیگری از کشور فرانسه در سال های 1867 تا 1870 میلادی به ایران آمدند که دو عکاس به نام های کاکلیه (کارلیه)^۷ و بلوکویل^۸ از جمله اعضا آن بودند . بلوکویل که برای عکاسی از هنگ قوای دولتی آمده بود که پس از مدتی به فرانسه بازگشت اما کاکلیه در ایران ماند و در کنار عکاسی به تدریس عکاسی در دارالفنون پرداخت .

گروه ایتالیایی^۹

در سال 1848 میلادی مقارن با سلطنت محمد شاه قاجار ، لوئیجی پچه (بشه)^{۱۰} برای مدیریت قوای پیاده نظام به ایران آمد. او که سرهنگی ناپلی بود، دو آلبوم عکس که یکی در موزه متروپولیتن نگهداری می شود، با 75 عکس و دیگری که در کتابخانه مارچیانا در ونیز نگهداری می شود، از وی به دست آمده است. گروه ایتالیایی دیگری در سال 1862 در پاسخ هیئت ایرانی به ایتالیا، به ایران آمدند که در میان آنها دو عکاس به نام های لوئیجی مونتابونه^{۱۱} و پترو بون^{۱۲} بودند. سه آلبوم از آثارمونتابونه در ایتالیا شامل 62

4 سیر تحول عکاسی - پتر تاسک - ترجمه محمد ستاری - صفحه بیست و سه

5 Daguerreotype

6 JULES RICHARD

7 Karlieh

8 Blockville

9 تاریخ تطبیقی عکاسی ایران و جهان - شهریار خوانساری - صفحه هفتم

10 Luigi Pesce

11 Luigi Montabone

12 Petro Boone

قطعه عکس موجود است. شایان ذکر است که در سال 1972 شخصی به نام پیه مونتره، تحقیقات خود را درباره این عکاسان در کتاب (آلبوم های عکاسی گروه دیپلماتیک ایتالیایی در ایران) منتشر نموده است.

گروه آلمانی

در سال 1863 میلادی، گروه مهندسی خط تلگراف آلمان وارد ایران شدند. هولتسر عکاس نیز که مهندس تلگراف بود و در سال 1871، سرپرستی دفتر خطوط تلگراف اصفهان را عهده دار شد و به استثنا چند سفر کوتاه و یازده سال اقامت در برلین، در ایران ماند و به سال 1911 بدرود حیات گفت. اهمیت عکاسی هولتسر بدین جهت است که با نگرشی هدفمند، عکاسی می نمود. او تحویلی را که در آن سال ها شاهدش بود، به تصویر کشید. موضوع عکس های وی بیشتر آرامنه اصفهان است و بخشی از آنها نیز عکاسی قوم شناسانه از اصفهان است و بخشی از آنها نیز نوعی عکاسی قوم شناسانه از اصفهانی ها محسوب می شد. بعد از مرگ وی خانواده اش به آلمان رفتند و دو صندوق وسایل کاری او را با خود همراه بردند. در سال 1963 به طور اتفاقی آن ها را باز کردند و حدود دو هزار شیشه عکس همراه با یادداشت های روزانه پیدا نمودند. هولتسر^{۱۳} از فرهنگ عامه و هنر و صنعت اصفهان نیز عکاسی کرده است. وی شخصی بسیار دقیق بود. جنیفر اسکرس، محقق انگلیسی، در سال 1976 مقاله ای همراه با 23 عکس از آثار هولتسر چاپ کرد و بر مبنای این مقاله، محمد عاصمی در سال 1356 کتاب، در 113 سال پیش را منتشر کرد.

گروه دوم، عکاسان دربار بودند که تاثیر پذیر از برخی از عکاسان خارجی و تعلیم در دارالفنون به عکاسی در دربار مشغول شدند. عمده عکس این عکاسان، پرتره هایی از شخصیت ها، شخص شاه، پرتره نگاری، زنان حرمسرا، شکار شاه، منظر طبیعی، مسخره بازی های شاه، مستند نگاری دربار و مکان نگاری بود. این عکاسان که پادشاه، شاهزادگان و خواجه دربار بودند، شامل افراد زیر می باشند

ناصرالدین شاه

در سال 1357 به همت بدری آتابای، کتابدار وقت کتابخانه سلطنتی در کاخ گلستان، گزیده ای از عکس های موجود در آلبوم ها، که تقریباً حدود چهار هزار عدد است، همراه با مقدمه ای بر تاریخ ورود عکاسی به ایران و یادداشت های شخصی ناصرالدین شاه و فهرستی از آلبوم های عکس مشتمل بر شماره های آلبوم، اندازه آلبوم، تعداد عکس ها و تاریخ آنها (در صورت موجود بودن) در تیراژی بسیار محدود انتشار یافت. در این کتاب از ناصرالدین شاه به عنوان اولین عکاس ایرانی یاد شده است، چرا که بسیاری از عکس های آلبوم ها را او گرفته و یادداشت های حاشیه ی عکس ها به خط شخص ایشان دلیل این مدعاست. لذا در تحقیقاتی که

یحیی ذکاء و شهریار عدل در سال های بعد انجام دادند و شرح آن گذشت، مشخص گردید که ملک قاسم میرزا، اولین ایرانی است که به روش داگروتیپ تصویربرداری کرده و هم او را به روایتی اولین عکاس ایرانی می داند¹⁴.

یادداشت های برجای مانده از ناصرالدین شاه حاکی از آن است که او با روش های علمی و فنی عکاسی و طرز کار دوربین های مختلف آشنا بوده است. همچنین فهرستی از دستورالعمل دارو های مختلف شیمیایی و مراحل تدریجی چاپ و ظهور عکس طبق روش های رایج در اروپای آن روز نیز که شامل دستورالعمل های مربوط به روش کولودیون، تهیه کاغذ به روش آلبومین¹⁵، سلات (نیترا نقره) ، سیانوتیپ¹⁶ و.. است، به خط خود او در کتابخانه کاخ گلستان موجود است. توجه و شدت علاقه ناصرالدین شاه به عکاسی در حدی بود که در سفر و حضر به عکسبرداری پرداخته و به کار دیگر عکاسان همراه نیز نظارت داشته است. قدیمی ترین عکس هایی که از چهره زنان در ایران باقی است مجموعه بی بدیل عکس هایی است که ناصرالدین شاه در حرمسرای خود برداشته است. این تصاویر بیشتر با حاشیه نویسی او همراه است، تعدادی نیز شامل عکس های زنان در خلوت خانه و حرمسرا است که ناصرالدین شاه انداخته و در مجموعه بیوتات موجود است. نمونه ای از یادداشت هایی که شاه ذیل عکس هایش نوشته است شامل: (این عکس را خودم در اندرون انداخته ام) ، (در اندرونی امین اقدس ، ملیجک بغل من است ، شب که خوابید باز نوبه کرد ، میرزا حسنعلی عکاس انداخت) ، (این دو عکس را با اسباب عکس فوری که از فرنگستان خریده بودم هشت شهر شعبان که هشت روز از عید نوروز گذشته است با نهایت کسالت و کج خلقی و بد احوالی انداخته ام) .

آقارضا خان عکاس باشی

شاخص ترین عکاس دربار ناصری که شاه به او لقب عکاسباشی را داده است آقا رضاخان اقبال السلطنه است . آقا رضا فن عکاسی را به دستور ناصرالدین شاه در هفده سالگی، نزد کارلیه فرانسوی در دارالفنون آموخت.. یحیی ذکاء در یادداشت های خود که در مجله عکس منتشر شد، آقارضا را اولین عکاس حرفه ای ایران می داند و درباره ی او می نویسد: او تعداد زیادی عکس به مناسبت های مختلف تهیه کرد که می توان از عکس های نور، کجور، شهرستانک، و فیروزکوه که در سال های 1280 و 1282 ه.ق تهیه شده نام برد. اقبال السلطنه مدت 27 سال به عنوان عکاس در دستگاه سلطنتی مشغول کار بود و در سال 1307 ه.ق در 48 سالگی به مرگ ناگهانی درگذشت.

¹⁴ سیر تحول عکاسی - پتر تاسک - ترجمه محمد ستاری - صفحه بیست و هشت

¹⁵ Albumin

¹⁶ Cyanotype

عبدالله میرزا قاجار و شاگردانش

دیگر عکاس درباری که از آقا رضا متاخر تر و پر آوازه می باشد، عبدالله میرزا قاجار است. او متولد سال 1266 ه.ق است و پس از طی دوره ای در دارالفنون برای تکمیل عکاسی به فرانسه و سپس به اتریش می رود. عبدالله قاجار در سال 1306 ه.ق مدیر عکاسخانه دارالفنون و در دوره مظفرالدین شاه به ریاست مطبعه شاهنشاهی منسوب می شود. از خدمات برجسته عبدالله میرزا در دارالفنون تربیت شاگردانی است که در عهد مظفرالدین شاه به تدریج عکاسی را به عنوان حرفه در جامعه ایران مطرح کرده اند. یکی از آنان ماشالله خان عکاس است که مجموعه عکس های او در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است. دیگری محمد جعفر خان خادم، پدر مرحوم علی خادم است. گفتنی است که متاسفانه عکاسخانه خادم پس از فوت علی خادم تعطیل و ظاهراً بین ورثه ی آن مرحوم بر سر مالیکت چندین هزار نگاتیو بازمانده از خاندان خادم اختلاف وجود دارد. گفته می شود که آرشیو عکاسخانه خادم غنی ترین مجموعه مستند تاریخی شهر تهران را در خود دارد. روسی خان از دیگر شاگردان عبدالله میرزا است که نام اصلی وی ایوانف^{۱۷} بوده است. عکاسخانه او در خیابان علاءالدوله واقع و بسیاری از عکس های رجال دوره مشروطیت موضوع کار اوست. روسی خان پس از خلع محمد علی شاه با وی به اروپا می رود و عکاسخانه اش تا سال 1299 ه.ش توسط مهدی خان مصورالملک که خود نیز عکاس و گراور ساز بوده به کار ادامه می دهد.

از دیگر عکاسانی که در دوره ناصر الدین شاه و مظفرالدین شاه در دارالخلافه به نوعی مطرح بوده اند می توان به این افراد اشاره کرد: حسنعلی عکاسباشی، که در بعضی موارد اسم او را حسینعلی آورده اند، میرزا احمد عکاسباشی ملقب به صنیع السلطنه، میرزا ابراهیم خان عکاسباشی پسر میرزا احمد که او عکاسباشی مظفرالدین شاه بوده و اولین دستگاه فیلمبرداری را در اختیار داشته است. س همچنین محمد حسن قاجار که در ثبت عکس های وی عبارت (عکاسخانه ی مبارکه نظامی یا دارالخلافه ناصری) به چشم می خورد . میرزا عبدالباقی که از اولین عکاسان دوره ناصری است، عباسعلی بیک که به عبارتی (ناظم عکاسخانه مبارکه) را بر عهده داشته و امین حضرت که وی (رئیس اداره عکاسخانه مبارکه) بوده است . به جز عکاسان درباری یک نفر دیگر هم توانسته است از دربار شاه و زن های شاه بدون روسری و تن نیمه عریان عکاسی کند .یک زن خبرنگار و جاسوس انگلیسی بوده است که در نهایت موفق به خارج کردن عکس ها از دربار شاهنشاهی نشده است .

محمد جعفر خادم

نخستین عکاسخانه ای که توانست در شب و با نور مصنوعی عکس برداشت کند، عکاسخانه محمد جعفر خادم نزدیک به چهارراه حسن آباد بود. (تا آن زمان به جز در روز و نور آفتاب عکس گرفتن مقدور نبود). وی با به کارگیری نور مصنوعی چراغ های الکتریکی توانست در عکاسخانه ی خود امکان عکس برداری در محیط بسته عکاسخانه را در روز و شب فراهم کند. عکسبرداری به این روش به دلیل به کارگیری نیروی الکتریسیته بسیار گران و تقریبا سه برابر قیمت عکس هایی بود که در روز گرفته می شد.

میرزا احمد ملقب به صنیع السلطنه

صنیع السلطنه، عکاس ایرانی و مدیر عکاسخانه مبارکه دارالفنون بود. وی در دارالفنون و سپس در اروپا عکاسی آموخت. عکس های بسیاری از او در آلبوم خانه کاخ گلستان موجود است. سبک وی در عکس های پرتره، از تسلط او در کادربندی و احاطه اش بر نکات فنی عکاسی نشان دارند. از میرزا احمد، رساله ای به خط نستعلیق درباره عکاسی بر جا مانده که به ناصرالدین شاه تقدیم شده است و دو نسخه از آن کتاب در کتابخانه ملی نگهداری می شود. وی در نخستین سفر مظفرالدین شاه به اروپا به سال 1337ه.ق همراه او بود و به فرمان شاه دستگاه سینماتوگرافی¹⁸، پروژکتور و ماشین چاپ به ایران آورد. شایان ذکر است که میرزا ابراهیم عکاس باشی، فرزندش و عبدالله میرزا قاجار از شاگردانش بودند. وی به سبب دانشی که در چاپ و چاپ سنگی داشت، مظفرالدین شاه اداره مطبعه خاصه شاهنشاهی را به او و فرزندش سپرد.

نخستین عکاسان زن ایرانی

نخستین عکاسان زن ایرانی را باید در میان زنان حرمسرای ناصرالدین شاه قاجار که خود شیفته این فن بود جستجو کرد. در برخی از آلبوم های ناصری که در آلبوم خانه کاخ گلستان موجود است، آثاری از این زنان عکاس که به طور تفننی به عکاسی می پرداخته اند دیده می شود. اما نخستین همسر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه که به صراحت بر عکاسی او اشاره رفته، عزت ملک خانم ملقب به اشرف می باشد. اعتمادالسلطنه در کتاب ارزشمند خود، انطباعات دوران ناصری، بارها به عکاسی وی اشاره کرده است. از دیگر عکاسان زن ایرانی می توان به زنان خانواده معیر الممالک اشاره کرد که به لحاظ آشنایی معیر و دارا بودن عکاسخانه ای مجهز در منزل شخصی، امکان عکسبرداری توسط زنان وی فراهم بوده است. دو تن از زنان دوران ناصری نیز به نام های فاطمه سلطان خانم

همسر میرزا حسنعلی عکاس و عذرا خانم همسر آقا یوسف عکاس که از عکاس باشی های شاه بوده اند به عکاسی می پرداخته اند. همسر و دختر آنتوان خان سوربوگین، عکاس نامدار دوران ناصری تا رضا شاه را نیز باید در شمار نخستین زنان عکاس در ایران آورد.

گروه سوم، عکاسان اقلیت مذهبی بودند که دیدگاه آنان نیز به دلیل تفاوت در نوع تربیت ومذهب، به عکاسان خارجی شباهت بسیاری داشت. این گروه از عکاسان به دلیل اینکه در دوره قاجار عکاسی برای مردم عادی تا یک زمانی حرام و غیر ممکن بود، بیشتر آن ها را ارامنه تشکیل می دادند. همچنین می توان آثار ثبت شده توسط عکاسان اقلیت مذهبی را می توان در سه دسته بررسی کرد :

دسته اول، پرتره رجال سیاسی، بزرگان و شخصیت های برجسته که این ایام با دقت و زیبایی به ثبت رسیده است و سبک ها و ژست های نقاشی گونه دارد . دسته دوم، عکس های مربوط به مجاهدان است که با لباس رزم و قطار فشنگ بر سینه و اسلحه در دست به ثبت رسیده است. دسته سوم، عکس های مربوط به صحنه های قیام می باشد مانند: دار زدن، مبارزه، اجساد کشته ها در میدان نبرد و اتفاقات خاص آن دواران می باشد.

به طوری کلی در دوران قاجار اکثر عکس ها به نیت یادگاری گرفته می شد؛ عکاسان، کشفیات جدید فنی را برای سرگرمی و بدون هدف مشخصی تجربه می کردند. در این دوره همچون اروپا، عکاسی حول محور پرتره انجام می شد؛ با این تفاوت که در آن دوران عکاس ها سعی می کردند با نقاشان رقابت. از اوایل سلطنت مظفرالدین شاه در 1314 قمری، عبدالله میرزا در بالاخانه دارالفنون عکسخانه ای دایر نمود و فن عکاسی را متدوال کرد و بسیاری از عکاس های بعدی از شاگردان وی بودند. این عکاسخانه تا اوایل مشروطیت دایر بود.

عکاسی در دوره مشروطیت

با آغاز جنبش مشروطیت مردم تمایل داشتند چهره رهبران خود را مشاهده نمایند. به تدریج ثبت چهر های معروف گسترش یافت؛ با ایجاد تحولات مختلف عکاسی از انحصار دربار خارج شد و موضوعات، بعد اجتماعی و واقعی پیدا کرد. تحولات جنبش مشروطیت، زمینه را برای عکاسی مطبوعاتی فراهم کرد .پس از انقلاب مشروطه ضرورت عکاسی از وقایع امری بدیهی می نمود . حتی می بینیم در مواردی، ماموران دولت به کارگاه عکاس ها مراجعه می کردند تا عکسی از یک زندانی یا سر بریده بگیرند. این امر موید آشکار شدن جنبه سندیت و هویت مستقل عکس بود. این امر باعث شد عکس هایی مثل عکس قاتل ناصرالدین شاه و صحنه اعدام او، کاسبکاران مختلف و عکس های بسیاری دیگر از مردم عادی رواج پیدا کند. همراه با این جنبه های مستند، عکس های خانوادگی و پرتره شخصی هم در بین مردم عادی رواج یافت. عکاسان این دوره شامل: میرزا حسن عکاس باشی ، استپان استپانیان، روسی خان،

آقا غلامرضا عکاس، میرزا جواد خان، میرزا ابراهیم خان عکاس باشی، آنتوان خان سورویوگین و سید عبدالله شیخ الاسلام امجدالوزاره می باشند .

بارون استپانیان^{۱۹}

بارون استپانیان، معروف به بالامجان از عکاسان اوایل دوره ی مشروطه در سال 1285ه.ق، در روستایی به نام نورک در حومه شهر ایروان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل وارد آموزشگاه علوم انسانی و مذهبی کلیسا اچمیادزین اوچ شد؛ پس از آن برای فراگرفتن فن عکاسی به تفلیس رفت . در سال 1208ه.ق تحت تاثیر اندیشه های انقلابی زمان خود در گروه مسلح گوگانیان درآمد و هنگام گذشتن از مرزداران روس دستگیر و پس از یک محاکمه کوتاه و سریع به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم شد. او در دوره تبعید به علت مسلط بودن به فن عکاسی از سوی هیئتی که در آن هنگام مامور بررسی های علمی در جزیره ساخالین بود به کار گماشته شد و همه عکس های مورد نیاز آنها را تهیه کرد. استپانیان مجموعه نفیسی را فراهم آورد که همان زمان به زبان روسی و تحت عنوان ساخالین به چاپ رسید. وی پس از ده سال تبعید به همراه تنی چند از دوستان خویش با قایقی چوبی و از راه اقیانوس آرام موفق به فرار از این جزیره شد. او از راه باکو در سال 1317ه.ق به تبریز آمد و در کوچه پست خانه تبریز، اتاقی اجاره کرد و عکاسخانه خود را دایر و در مدت زمان بسیار کوتاهی در کار خود به موفقیت شایانی به دست یافت. وی به دلیل علاقه فراوانی که به آزادی و آزادی خواهان داشت به مجاهدان و مشروطه خواهان پیوست و به همین علت نیز پس از ورود ارتش روسیه تزاری به تبریز، به ناچار با لباس مبدل به شکل قاطرچی همراه خانواده و بعضی از مشروطه خواهان از شهر بیرون رفت و به ارزروم در کشور عثمانی پناهنده می شود و عکاس خانه ی خود را در این شهر دایر کرد . در حال حاضر بیشترین عکس های موجود از دوران جنبش مشروطه، توسط استپانیان انداخته شده وی همچنین به عنوان نخستین عکاس خبری ایران شناخته می شود .

روسی خان

مهدی ایوانف^{۲۰} ملقب به روسی خان، یکی از تکنیسین های عکاسخانه عبدالله میرزای قاجار بود که در تهران عکاس خانه و یکی از اولین سالن های نمایش فیلم را دایر کرده بود. روسی خان یکی از نخستین کسانی بود که به رواج هنر سینما در ایران پرداخت و شاید در این زمینه دارای مهم ترین نقش بود. او پس از میرزا ابراهیم خان عکاس باشی نخستین کسی محسوب می شود که در ایران

¹⁹ Stepan Stepanian

²⁰ Mehdi Ivanov

فیلمبرداری کرده است. لقب روسی خان را محمد علی شاه قاجار به دلیل عکس هایی که ایوانف از نجف اشرف گرفته بود به او داد. وی مدتی شاگرد عبدالله میرزا قاجاری بود و پس از درگذشت مظفرالدین شاه و آغاز سلطنت محمدعلی شاه قاجار و کنار رفتن میرزا ابراهیم خان عکاسباشی، به ریاست بخش عکاسی دارالفنون (در طبق فوقانی داروخانه شورین) و همچنین مقام عکاسباشی دربار دست یافته بود. روسی خان شخصیت سیاسی بسیار مشکوکی داشت و چون آزادی خواه نبود، با دربار و مرتجعان ارتباط برقرار کرده بود. یکی از نزدیکترین دوستانش، لیاخوف،^{۲۱} از فرماندهان قزاق بود که معمولاً با صاحب منصبان و سرکرده های خود برای تماشای فیلم به سالن او می رفت. سالن نمایش فیلم او معروف به سالن فاروس میعادگاه اشرف و مرتجعان شده بود. اعضای سفارتخانه های انگلستان و روسیه در تهران، پس از سانس های عادی، در این سالن حضور می یافتند و با پالکوفسکی^{۲۲} (وزیر مختار روسیه) تا دو سه ساعت بعد از نیمه شب، فیلم تماشا می کردند و شامپانی می نوشیدند. روسی خان در سال 1326ه.ق به روسیه رفت و در ادسا، با شرکتی به نام بومر قرارداد بست که شیشه و کاغذ و مقوای عکاسی برایش بفرستند. در فروردین 1286 روسی خان عکاسخانه خود را افتتاح کرد و به همین منظور اعلانی مبنی برگشایش عکاسخانه مستقل خود به چاپ رسانید: (اعلان - سرکار روسی خان عکاس معروف بتازگی در اوایل خیابان عالیالدوله، روبروی خانه امیر نظام، عکاسخانه بطرز فرنگستان دائر کرده و اقسام عکسهای ممتاز و اعلا در آنجا گرفته می شود). بسیاری از عکس های رجال دوره مشروطیت کار روسی خان است. روسی خان از موقعیت خوبی برخوردار بود تا اینکه آزادیخواهان و مشروطه طلبان به پیروزی رسیدند و او نیز به دلیل هواداری از محمد علی شاه، ناچار به خروج از ایران شد. در جریان مشروطیت، آزادیخواهان مغازه اش را تاراج کردند. ولی عکاسخانه او تا 1299 باقی ماند و توسط مصورالممالک اداره شد و بعد تعطیل شد. یکی از خاطرات عکاسی روسی خان مطلبی است که حاجی میرزایحیی دولت آبادی به این شرح نقل کرده است: (عباس آقای تبریزی قاتل امین السلطان روزی می رود به عکاسخانه میرزای عکاس و عکس برمی دارد و به روسی خان شاگرد عبدالله میرزا می گوید: این عکس را ارزان نفروش، زیرا طالب زیاد خواهد داشت). پس از انقلاب مشروطه روسی خان به فرانسه مهاجرت کرد و در سال 1346 ه.ق درگذشت.

آنتوان خان سوریوگین^{۲۳}

برجسته ترین و پرکارترین عکاس حرفه ای ایران در پایان قرن نوزدهم آنتوان خان سوریوگین بود. آنتوان خان در دهه آخر سده سیزدهم ه.ق، از قفقاز به ایران آمد و در تبریز عکاس خانه خود را دایر کرد. با شهرتی که به دست آورد به درب خانه مظفرالدین

21 Vladimir Liakhov

22 Palkovsky

23 Antoin Sevruquin

میرزا راه یافت و در سال 1295 ه.ق کتاب فن عکاسی لیبر از عکاسان مشهور پاریس را به فارسی ترجمه و به ولیعهد تقدیم کرد. هنگامی که مظفردالدین میرزا برای به دست گرفتن قدرت از تبریز به تهران آمد آنتوان خان در التزام رکاب او بود و تا آخرین روزهای سلطنتش وی را همراهی می کرد. آنتوان خان در تهران آتلیه عکاسی خود را در خیابان علاءالدوله (فردوس) جنب در شرقی میدان مشق دایر کرد که بیشتر با استقبال خارجیان همراه شد. روز به توپ بستن مجلس در سال 1326 ه.ق که خانه ظهیرالدوله غارت شد، عکاسخانه سوربوگین نیز مورد هجوم واقع گشت که بخشی از شیشه های عکس او از بین می رود. عکس های آنتوان خان بیشتر یاد آور نقاشی های اروپایی است. نقش نور در پرتره هایی که تهیه کرده مورد اعتناست. او موضوعاتش را در ترکیب و آرایش از پیش تعیین شده قرار می داد که این ترکیب بندی حتی در موضوعات اجتماعی وی نیز نمود پیدا می کرد. او پس از مدتی به عکاسی مستند روی آورد و به اکثر نقاط ایران سفر کرد و از موضوعات مختلف مردم، منظر معماری، اشیاء، رخدادهای سیاسی و اجتماعی و... عکس گرفت. بسیاری از عکس های آغاز جنبش مشروطه در تهران و بست نشینی در سفارت انگلیس و رخداد های دیگر آن زمان آثار آنتوان خان است. آثار سوربوگین مبتنی بر دیدگاه های زیبا شناختی عکاسان معاصرش در اروپاست و کمتر قرابتی بین عکس های او و دیگر عکاسان ایرانی دیده می شود. طبق یادداشت های دانا استاین، در سر آغاز عکاسی در ایران بیوه سوربوگین تعداد زیادی از شیشه های سوربوگین نیز بیش از دویست قطعه عکس او را به هیئت مبلغین کلیسای پرسبیتی آمریکا فروخت که اینک در گالری فریر در موسسه اسمینسون در شهر واشنگتن نگهداری می شود. علاوه بر این حدود شصت قطعه عکس آنتوان خان به سبک قهوه ای رنگ چاپ شد (توسط شخصی به نام جوزف اپنن در اواخر دهه 1300 هجری شمسی) کمی قبل از اینکه آنتوان کارگاه خود را تعطیل کند، از وی این عکس ها خریداری شده است و در تملک گالری فریر هستند. گالری نام بر در تابستان 1983 میلادی نمایشگاهی از عکس های وی بر پا کرد. او دارای نشان شیر خورشید الماس از دولت ایران است و مدال طلا از نمایشگاه برکسل است.

گروه چهارم، فارغ التحصیلان رشته عکاسی دارالفنون و یا از فرنگ برگشتگان رشته عکاسی و یا ایرانیانی بودند که علم عکاسی را از خارجیان مقیم ایرن آموختند و تحت تاثیر ترکیب بندی های عکاسان اروپایی که خود در بند ترکیب بندی های نقاشی وار بودند قرار گرفتند. البته در بخش های قبلی به تعدادی از آنها اشاره شد. بسیاری از عکس های این دوره، رنگ و بوی آتلیه های درجه دوم اروپایی را داشتند اما برخی از آنها تحت تاثیر تربیت ایرانی، به ترکیبی از عکاسی اروپایی و فرهنگ ایرانی انجامید. از عکاسان این دوره، دوستی خان معیرالممالک، ملک قاسم میرزا و عبدالله قاجار را می توان نام برد. ملک قاسم میرزا، پسر بیست و چهارم فتحعلی شاه بود که به فرانسه رفت و عکاسی را در آنجا آموخت. او چند بار به حکومت آذربایجان رسید. آقایان ذکا و شهریار عدل، در تحقیقی که درباره داگرتوتایپ نوشتند، او را نخستین عکاس ایرانی می دانند.

خود ناصر الدین شاه تاثیر گرفته از عکاسی به نام ژول ریشار فرانسوی نیز شیفته عکاسی بود و خود، عکاسی می کرد و عکاس خوبی هم بود. بسیاری از عکس های او نیز اقتباسی از عکس های غربی بود. لیکن برخی از عکس هایش موفق هستند. موزه مردم شناسی کاخ گلستان درواقع تاریکخانه وی به شمار می آید. او در سفرهایش به همراه خود، عکاس می برد و یکی از کالسکه ها را اتاق تاریک و محل چاپ عکس می کردند تا همان موقع، عکس آماده شود و شاه آن را ببیند. عکاسی جز جدایی ناپذیر دربار او بود و دستور داده بود شهر های ایران را مستند نگاری کنند. عکاسی در دربار او به دو بخش عکاسی درون خانه ای و عکاسی بیرونی تقسیم می شود که اکثرا خودش عکس های اندرونی را تهیه می کرد. در بین عکس ها، عکس های بدن لخت از زنان صیغه ای شاه و مطرب هاست. می گویند این عکس ها را ناصر الدین شاه تحت تاثیر عکس های بدن لخت فرانسوی گرفته است، ولی به نظر من آنها حاصل ذهن بیمار اوست. البته بعضی از آنها عکس های بی نظیرند. یکی از آن عکس ها این گونه است: تخت چوبی گوشه حیات و یک قالیچه ترکمن که به دیوار میخ شده و دو گلدان شمعدانی روی زمین و زن لخت به پهلو خوابیده (یک زن چاق و زشت قاجاری).^{۲۴}

جالب است بدانیم که تعدادی از این عکس ها را مسئول تاریک خانه ناصرالدین شاه به نام عزیزخواجه مخفیانه به خارج از دربار می برد و می فروشد. جمع آوری چندین هزار شیشه و آلبوم عکس، نتیجه زحمات ناصرالدین شاه است که در کاخ گلستان نگهداری می شود و علیرغم این چند بار مورد تعدی قرار گرفته است (دفعه اول وقتی که حکومت قاجار سرنگون شد، قزاق ها بسیاری از عکس ها و شیشه ها را در حیاط کاخ به زیر پای اسب ها و ارابه ها ریختند و دفعه بعد در دوره رضا شاه نگاتیو های شیشه ای را بلیچ کردند نقره متالیک نگاتیو را از بین می بردند و شیشه ها را به جای شیشه های گل خانه کاخ گلستان مورد استفاده قرار دادند) ، باز هم مجموعه ای بی نظیر از آن دوره است.

گروه پنجم، عکاسان بومی بودند که بعد از مشروطیت و در اواخر دوره دودمان قاجار و اوایل حکومت پهلوی ظهور پیدا کردند، اغلب ناشناسی بودند که عکاسی را به صورت تجربی و یا از استادان تجربی آموخته بودند و چون پشتوانه تصویری گروه های قبلی را نداشتند، دست به نوآوری زدند. بیشتر عکس های این عکاسان بومی، روایتگری، خدمات آتلیه و استودیویی، مستند نگاری و عکاسی تاریخی بود. در عکس های ایشان برای مثال کودکی را می بینیم که با یک وسیله عجیب آشنا شده و به قول بودلر^{۲۵}، همچون نارسیس که به تصویر نقره ای خود نگریسته، منجمد شده است و بعد از چند لحظه می خواهد دیگران را بر روی صفحه کاغذی جای دهد. عکس را با روز محشر مقایسه می کند (رساله حشریه) و می خواهد به خود بباوراند که عکس او تا ابد می ماند و خود، رفتنی است. بی پرواست و شوخ طبع و شوخی های صحنه سازی شده او اوج خلاقیت است. برای او الفبای عکاسی معنی ندارد و ترجیح

²⁴ تاریخ تطبیقی ایران و جهان - شهریار خوانساری - صفحه یازده

²⁵ Charles Baudelaire

می دهد الفبای جدید بیافزاید. انگار هیچ موضوعی مهم نیست. می خواهیم بگویم موضوعی که برای عکاسی غرب آن زمان خود عکس را تشکیل می دهد، حالا فقط قسمتی از عکس است. پیش زمینه، ترکیب بندی دیکته شده و حتی خود آدمی که از او عکاسی می شود. کاری که گیسیون در سال 1975 انجام داد، حد اقل 130 سال قبل تر عکاسی گمنام به آن دل بسته بود. (عکاسی پرتزه از پشت سر آدم)، ولی وقتی عکاس ایرانی، در زمانی که هنوز همه می خواستند از صورت خود عکس بگیرند، این گونه عکاسی می کند .

نتیجه گیری

عکاسی به فاصله کمتر از سه سال از اختراعش توسط لوئی داگر فرانسوی، نزدیک به 182 سال پیش به ایران وارد شد و توسط پادشاهان وقت، خارجیانی که در ایران ماموریت های نظامی یا سیاسی داشتند، دانش آموختگان دارالفنون و فرنگ، عکاسان اقلیت دینی و عکاسانی تاثیر پذیرفته، گسترش یافت. در این مدت عکاسی از دربار و حرمسرا خارج و کاربرد های بومی نگاری، مستند و معماری پیدا کرد که با آغاز مشروطیت، عکاسی مطبوعاتی و بعد از آن عکاسی جنگ در ایران رواج یافت. با ظهور حکومت پهلوی ابتدا در دوره رضا شاه، بیشتر عکاسی از خدمات و افتتاح مراکز، راه ها و جاده ها، دانشگاه و ... صورت پذیرفت و با ظهور پهلوی دوم، تا قبل از کودتای 28 مرداد، عکاسی مطبوعاتی از جایگاه بالایی برخوردار بود. که بعد از آن عکاسی های تبلیغاتی، سینما، معماری، تاریخی و توریستی تا قبل از انقلاب 57 مورد توجه قرار گرفت. در انقلاب 57 و پس از آن نیز عکس های انقلابی، جنگ، اجتماعی و ... رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت. شایان ذکر است رشته عکاسی برای نخستین بار در سال 1362 ه ش و با سی دانشجو در دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران، پذیرش دانشجو داش که گامی مهم در توسعه علمی و عملی آن دارد .

منابع مقاله

سیر تحول عکاسی - پتر تاسک- تالیف و ترجمه ی دکتر محمد ستاری

کتاب تاریخ تطبیقی عکاسی ایران و جهان - شهریار خوانساری

سفرنامه تا پخته شود خامی - پی یرلوتی، جکسون آبرون ساید، مریان سی. کوپر، بلوشر، پترویلی وبه اهتمام منوچهر دانش پژوه کتاب از فروغ السلطنه تا انیس الدوله

عکاسی خالق در ایران _ دکتر محمد ستاری (بهار 1385)

برسی فنی عکاسی - ایرج افشار

کتاب ناصر الدین شاه فراز و فرود استبداد سنتی در ایران - مرحوم داریوش گل گلاب

مقاله عکاسی و عکاسان دوره مشروطه (اسماعیل صادقی لر مرکز تحقیقات علوم اسلامی)

